

بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان ایلام

رضا قاسمی زاه^۱

مرجان واحدی^۲

همایون مرادنزای^۳

چکیده

هدف این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان ایلام بوده است. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر جنبه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی است. در این تحقیق عوامل مؤثر بر موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از منظر شش عامل، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آموزشی، سیاستی و نهادی و منطقه‌ای و جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان ایلام که یک کسب‌وکار را برای خود ایجاد نموده‌اند، به تعداد ۷۸۶۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۴ نفر برآورد گردید. این تعداد نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. در این تحقیق به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته که مشتمل بر ۵۸ گویه در قالب طیف لیکرت بود؛ استفاده شد. اطلاعات حاصل از تکمیل پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که ۵۱/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله سه متغیر وارد شده در مدل (عوامل اقتصادی، مدیریتی و آموزشی) تبیین می‌شود.

کلمات کلیدی: مهارت‌آموختگان، فنی و حرفه‌ای، موفقیت کسب‌وکار، استان ایلام.

^۱ کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

^۲ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران marjan.vahedi@ilam-iau.ac.ir

آدرس: ایلام، بلوار دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، دانشکده کشاورزی، شماره تماس: ۰۹۱۸۳۴۲۶۲۳۴

^۳ دانشیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی دانشگاه ایلام، ایران

مقدمه

شرط بقا در دنیای پرشتاب کنونی استفاده از همه منابع موجود و توان‌افزایی کلیه ظرفیت‌های در اختیار است. انتخاب این مسیر مستلزم فراهم ساختن بستری است که امکان بروز و ظهور مهارت‌ها و تدابیر خلاقانه و فعالیت‌های کارآفرینانه را فراهم سازد. چالش اشتغال یا موضوع کار و بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی روز در کشور، شهر و روستا به شمار می‌آید. دلایلی نظیر پایین بودن سطح مهارت‌ها و تخصص افراد و نیز پایین بودن ظرفیت بازار کار، امکان ایجاد اشتغال برای همه را از بین برده است (کاشانی و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام آموزش در هر کشور، نظام آموزش فنی و حرفه‌ای است که توجه به آن یکی از خط‌مشی‌های اساسی کشورها برای تربیت نیروی انسانی کارآمد در دوره‌های پیش از دانشگاه به شمار می‌آید. بر این اساس نقش و اهمیت این‌گونه نظام‌های آموزشی در تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و فردی، از تیررس پژوهش‌ها دور نمانده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ابزار مهمی برای پویایی، انطباق‌پذیری و بهره‌وری نیروی کار محسوب می‌شود و در افزایش توان بنگاه‌های اقتصادی، صنعتی و تولیدی نقش داشته و زمینه کاهش عدم توازن در بازار کار را فراهم می‌سازد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر موردنیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار موردنیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند. از سوی دیگر، این آموزش‌ها با توأم کردن آموزش‌های نظری و عملی این امکان را برای آموزش‌دیده فراهم می‌کنند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی فراهم شود (افروزمش و شمسایی، ۱۳۹۳). شواهد فراوانی نشان داده‌اند که افزایش سطح مهارت از طریق افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش فنی و حرفه‌ای توان بالقوه اقتصادی کشورها را ارتقاء داده است. همچنین آموزش نیروی کار منافع قابل توجهی برای اقتصاد از طریق افزایش بهره‌وری به دنبال دارد (آکسس ۲۰۱۴).

امروزه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و پژوهش‌های ناظر بر این آموزش‌ها یکی از محورهای اساسی در توسعه همه‌جانبه، به‌ویژه تحقق سیاست‌های کلان اشتغال‌زایی در کشور ما محسوب می‌شوند. با پیشرفت صنعت و فن‌آوری، بهره‌برداری از نیروی انسانی ماهر و کارآزموده از جمله مؤلفه‌هایی بود که مورد توجه و مطالعه عمیق صنعتگران و متخصصان نظام آموزشی در سراسر جهان قرار گرفت. در گذشته مسئولیت مهارت‌آموزی نسل جوان برعهده بزرگان و اصناف بود. این مسئولیت با گسترش صنایع ماشینی و نیاز مردم به آموزش و بازآموزی

جویندگان کار فاقد مهارت و شغل به بخش‌های تولیدی، تجاری و کشاورزی برعهده نظام آموزش فنی و حرفه‌ای گذارده شد. نقشی که آموزش فنی و حرفه‌ای در تربیت نیروی انسانی ماهر موردنیاز جوامع و در راستای تحولات سریع در صحنه علوم و فن‌آوری به ظهور رسانید، موجب توجه بیش از پیش کشورهای جهان به موضوع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شد (مطلق و صابری، ۲۰۱۰).

لذا با توجه به اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و هدفی که این سازمان برعهده دارد، یکی از هدف‌های اصلی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند؛ به عبارت دیگر، افزایش کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی) و کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است. از این‌رو از جمله موانع عمده بر سر راه اجرای نظام جدید آموزشی و تحقق اهداف آن، نبود زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحقق این ویژگی‌هاست (مهرعلی زاده و همکاران، ۲۰۱۲).

اما آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زمانی می‌توانند مدعی انجام و تحقق این رسالت باشند که محصولات آن با نیازهای بازار کار، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی هماهنگ و سازگار باشد. به عبارت بهتر دانش آموخته فنی و حرفه‌ای در رشته‌ای مهارت‌آموزی کرده باشد که بازار کار به آن نیاز دارد و به فنون و مهارت‌هایی مجهز شود که بتواند نیازهای بنگاه‌ها و کارفرماها را تأمین نماید (صدری و همکاران، ۱۳۹۶).

یادآوری می‌شود که مشکل عدم مهارت دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای برای ورود به بازار کار از قبیل مهارت‌های مدیریت خود، حل مسئله و ... در سطح دانشگاه نیز گزارش شده است (مؤمنی مهمویی و همکاران، ۲۰۱۲).

در اشتغال هنجاریان عواملی غیر از آموزش نیز دخیل هستند. عواملی همچون نبود سرمایه و توان مالی برای راه‌اندازی کسب‌وکار، فقدان مشاغلی که با مهارت و دانش کسب‌شده فارغ‌التحصیلان در منطقه همخوانی داشته باشد، پایین بودن میزان دریافتی افراد و در نتیجه روی آوردن به اشتغال در مشاغل غیر مرتبط اما با درآمد بالاتر، عدم تناسب رشته‌ها و تعداد دانش‌آموزان هنرستان‌ها با نیاز بازار کار (عبداللهی، ۱۳۹۵).

در این راستا سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با تأسیس مراکز آموزشی در تمام مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها و گسترش فعالیت‌های آموزشی در بخش‌ها و روستاهای اقدام به آموزش رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای نموده است که بسیاری از آن‌ها جذب بازار کار شده‌اند (عسکری ۱۳۸۰). بنابراین ضرورت دارد با انجام پژوهش‌های علمی کسب‌وکارهایی را که مهارت آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای راه‌اندازی کرده‌اند

مورد بررسی قرار داد. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که چه عواملی بر موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان ایلام مؤثر هستند؟

در این رابطه پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. از جمله این‌که کمالی سیدیگلو و تقی‌زاده (۱۳۹۶) تحقیقی تحت عنوان شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای فازی انجام دادند. نتایج نشان داد که زیرمعیارهای مربوط به معیار منابع انسانی یعنی تخصص، تحصیلات، مهارت کارگروهی و تجربه به ترتیب بالاترین اولویت را در موفقیت این بنگاه‌ها دارند.

نتایج پژوهش غفاری و رازینی (۱۳۹۶) با عنوان شناسایی و رتبه‌بندی عوامل راهبردی مؤثر در موفقیت بنگاه‌های کوچک و زودبازده شهر صنعتی کاوه با رویکرد کارت امتیازی متوازن از دیدگاه مدیران نشان داد که بنگاه‌های کوچک و زودبازده از حیث توازن در منظرهای مختلف ارزیابی متوازن در وضعیت مناسبی قرار دارند و نظر مدیران در این رابطه بیانگر توجه همگن به هر چهار بعد اصلی در این شیوه است ولیکن عوامل راهبردی تأثیرگذاری وجود دارد که از دید مدیران مخفی مانده و توسط مدیران بنگاه مورد کم‌توجهی قرار گرفته است.

نتایج پژوهش باباخانی و واحدی (۱۳۹۶) با عنوان بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در میزان موفقیت تعاونی‌های شیلات استان ایلام نشان دادند که بین متغیرهای فردی و حرفه‌ای سطح تحصیلات و سابقه عضویت و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با متغیر وابسته یعنی میزان موفقیت تعاونی‌های شیلات ارتباط مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، متغیرهای سابقه عضویت، آگاهی اجتماعی، سطح تحصیلات و مشارکت اجتماعی حدود ۵۱ درصد از تغییرات را تبیین کردند.

نتایج پژوهش جلیلیان و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان بررسی میزان انطباق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان خرمشهر نشان داد که بین عملکرد موجود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با وضعیت مطلوب (نیازها و محورهای آموزشی شناسایی شده دارای اولویت) این شهرستان انطباق وجود ندارد. همچنین بررسی نتایج به‌دست آمده، نشان داد که ۹ دوره عمومی، ۷ دوره مدیریتی و ۴۵ دوره تخصصی اولویت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موردنیاز بازار کار در زمینه صنایع این شهرستان را تشکیل می‌دهند.

کاشانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در استان تهران نشان دادند که متغیرهای عوامل شخصیتی، روش‌های آموزشی، محتوای آموزشی و عوامل مدیریتی ۶۵/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد که بیشترین اثر مستقیم مربوط به متغیر محتوای آموزشی و بیشترین

تأثیر غیرمستقیم مربوط به متغیر عوامل مدیریتی است. همچنین متغیرهای محتوای آموزشی، عوامل شخصیتی و روش‌های آموزشی بیشترین تأثیر را بر مهارت‌های کارآفرینی داشته‌اند.

نتیجه مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان تأثیر آموزش ترکیبی بر موفقیت و رضایت فراگیران نظام آموزش فنی و حرفه‌ای نشان داد که میزان یادگیری محتوا در دوره آموزشی که با رویکرد یادگیری ترکیبی اجرا شده بود به صورت معناداری از یادگیری در گروه سنتی (رودرو) بیش تر بود. افزون بر آن میزان رضایت فراگیران دوره از یادگیری به شیوه ترکیبی به صورت معناداری از رضایت‌مندی فراگیران در گروه سنتی (رودرو) بیش تر است. بنابراین با توجه به جایگاه ارزشمند آموزش ترکیبی در افزایش رضایت و موفقیت یادگیرندگان دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، به کارگیری این رویکرد آموزشی می‌تواند جزء برنامه‌های توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای قرار گیرد.

آقاپور صباغی و چلداوی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت بنگاه‌های زودبازده بخش کشاورزی شهرستان دشت آزادگان نشان دادند که نسبت آبی، نسبت سرمایه اولیه به وام دریافتی، نسبت پاداش تشویقی به حقوق ثابت و نوع طرح از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر موفقیت بنگاه‌ها هستند.

نتایج تحقیق ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان تعیین میزان موفقیت بنگاه‌های اقتصادی زودبازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل نشان داد که بنگاه‌های زیربخش ماشین‌آلات، به علت بهبود در برخی شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی، از سایر بنگاه‌ها موفق‌تر بوده و بنگاه‌های دامی و زراعی به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفتند. از نظر عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه نیز مشخص شد که در زیربخش زراعت و باغبانی، سن مدیر، تحصیلات مدیر، تعداد اعضای خانوار مدیر، تجربه کار کشاورزی مدیر و مقدار وام دریافتی بنگاه با میزان موفقیت این بنگاه‌ها دارای ارتباط معنی‌داری بودند. همچنین در زیربخش ماشین‌آلات کشاورزی، تحصیلات مدیر، فاصله بنگاه تا شهر، میزان وام دریافتی، تعداد نیروی کار بنگاه، سطح زیرکشت و عوامل برون‌سازمانی و در زیربخش دام نیز تعداد اعضای خانوار، تجربه کار کشاورزی مدیر، فاصله بنگاه تا شهر، تعداد نیروی کار بنگاه، سطح زیرکشت و عوامل درون‌سازمانی با میزان موفقیت این بنگاه‌ها ارتباط معنی‌داری داشتند.

صدری و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان رشد کمی دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای کشور و تقاضای نیروی انسانی ماهر به منظور بازنگری در برنامه درسی نشان دادند که بین شغل و جنسیت فارغ‌التحصیلان ارتباط معنادار متوسطی وجود دارد. همچنین ۷۶ درصد شاغلان، مشاغل مرتبط با تحصیلات خود را یافته‌اند و تنها ۲۲ درصد شاغلان، خود اشتغال هستند که ضریب همبستگی کرامر این رابطه را بسیار بالا و مؤثر گزارش کرده است. همچنین رابطه بین جنسیت و مشکلات اشتغال معنادار گزارش شده است.

در پژوهشی به بررسی نقش آموزش‌های کارآفرینی در افزایش روحیه کارآفرینی آموزش‌دیدگان دوره کارآفرینی پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این موضوع است که روحیه کارآفرینی کارآموزانی که دوره کارآفرینی را سپری کرده‌اند در مقایسه با کارآموزانی که آموزش کارآفرینی را سپری ننموده‌اند در ابعاد (توفیق طلبی، نیاز به استقلال، خلاقیت، تحمل ابهام، مرکز کنترل، تمایل به مخاطره) بالاتر بوده به‌گونه‌ای که می‌توان از کارکرد مثبت آموزش‌های کارآفرینی در جهت افزایش روحیه کارآفرینی و به‌تبع آن اشتغال‌زایی جوانان و کاهش بیکاری یاد کرد. از سویی با توجه به یافته‌ها کارآموزانی که دوره کارآفرینی را آموزش دیده‌اند نگرش‌های خود را در جهت پذیرش تغییر توسعه داده‌اند و احتمال اینکه با یک سری نگرش‌های خاص به سمت کارآفرینی متمایل شوند، زیاد است.

نتایج پژوهش عبداللهی (۱۳۹۵) با عنوان ارزیابی سازوکارهای تجربه‌شده برقراری ارتباط بین آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و بازار کار در ایران نشان داد که در حال حاضر سازوکار اثربخشی به‌منظور برقراری ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بازار کار وجود ندارد. سایر یافته‌های مهم این پژوهش عبارتند از: ضرورت بازنگری در روش‌های نیازسنجی آموزشی و نیز استانداردهای مهارتی، توسعه فرهنگ کار، تأکید بر جنبه‌های عملی و مهارتی در آموزش‌ها در مقایسه با آموزش‌های نظری، الزام دستگاه‌های دولتی و نیز بخش صنعت به همکاری واقعی با بخش آموزش‌های فنی حرفه‌ای، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در چارچوب برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و نیز پرهیز از توسعه کمی آموزش فنی و حرفه‌ای.

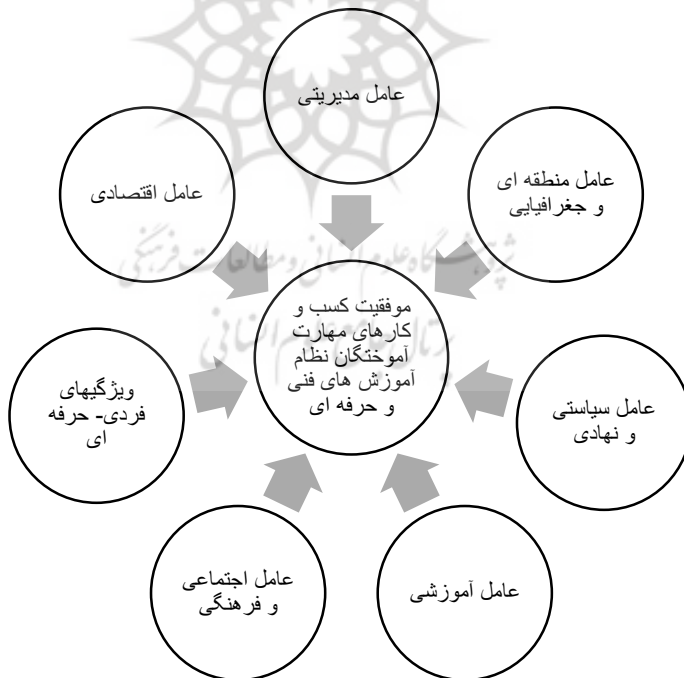
جعفری هرندی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی میزان کارایی بیرونی دانشگاه فنی و حرفه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ نشان داد که کارایی بیرونی در بُعد فردی ۶۵ درصد، در بُعد اجتماعی ۶۳/۴ درصد و در بُعد اقتصادی ۶۰ درصد است. در مجموع با توجه به عدم تحقق ۳۷/۲ درصد از کارایی بیرونی، می‌توان بیان نمود که درصد کارایی بیرونی مطلوب نبوده و چاره‌جویی در این زمینه توسط مسئولان ستاد و مدرسان ضروری به نظر می‌رسد.

افروز منش و شمسایی (۱۳۹۳) در پژوهشی با بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت‌آموختگان نشان دادند که کمبود فرصت شغلی، پایین بودن دستمزد، ضعف آموزش مهارتی، عدم رغبت به شغل پیشنهادی و عدم سرمایه کافی از جمله عواملی است که منجر به عدم اشتغال مهارت‌آموختگان شده است که در این بین کمبود فرصت شغلی نقش بیشتری داشته است.

سیلانه و کرمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان مهارت‌آموزی ضرورت آموزش فنی و حرفه‌ای در محیط‌های یادگیری کل‌نگر اظهار می‌دارند که فراگیران باید مهارت‌های شغلی مهمی را همانند برقراری ارتباط، تعهد کاری، وقت‌شناسی، حل مسئله، کارگروهی، خودمدیریتی، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و آشنایی با فن‌آوری را بیاموزند که امروزه برای شاغل شدن امری واجب و ضروری هستند.

پژوهش یداللهی و همکاران (۲۰۱۲) تحت عنوان شناسایی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط، نشان داد که عوامل مدیریتی، منابع انسانی، اندازه سازمانی، سیستم‌های سازمانی، بازاریابی و فروش، فن‌آوری و اطلاعات، پژوهش و توسعه، کانال‌های توزیع، هزینه‌های ساختارها، ارزش‌های قابل‌ارائه، استراتژی‌های شرکت، تولید و عملیات بر بهبود عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر معنی‌داری داشتند.

به‌هرحال، مطالب مورد بحث گویای آن است که عوامل متعددی در موفقیت کسب‌وکارهای مهارت آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تأثیر دارند. از این رو شناخت دقیق این عوامل می‌تواند در جهت رشد و شکوفایی کسب‌وکارها بسیار مؤثر باشد. این امر می‌تواند تا ابتدا عوامل مؤثر بر موفقیت کسب‌وکارها شناسایی گردند و سپس بر اساس عوامل شناسایی شده، اقدام به سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی جهت بهبود امور نمود. در این راستا، هدف از این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کسب‌وکارهای مهارت آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد که در این زمینه مطالعات چندانی صورت نگرفته است. از این رو، انجام این پژوهش ضرورت و توجیه می‌یابد. در این تحقیق عوامل مؤثر بر موفقیت کسب‌وکارهای مهارت آموختگان آموزش فنی و حرفه‌ای از منظر شش عامل، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آموزشی، سیاستی و نهادی و منطقه‌ای و جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین مدل مفهومی پژوهش به شکل زیر خواهد بود.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت داده‌ها، کمی و از نظر هدف کاربردی است. از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی است. در پژوهش حاضر عامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آموزشی، سیاستی و نهادی، جغرافیایی و منطقه‌ای، مدیریتی، سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و شرکت در دوره‌های کارآفرینی به‌عنوان متغیرهای مستقل و موفقیت مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان ایلام به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است که در قالب پرسشنامه از طریق طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان ایلام که یک کسب‌وکار را برای خود ایجاد نموده‌اند، به تعداد ۷۸۶۰ نفر بود. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۴ نفر برآورد گردید. این تعداد نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. در این تحقیق به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته که مشتمل بر ۵۸ گویه در قالب طیف لیکرت بود؛ استفاده شد. این پرسشنامه دارای سه بخش به شرح ذیل بود.

بخش اول: سؤالات مربوط به جمع‌آوری اطلاعات جمعیت شناختی

بخش دوم: سؤالات مربوط به سنجش عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

بخش سوم: سؤالات مربوط به سنجش موفقیت کسب و کارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

در تحقیق حاضر جهت کسب روایی صوری، پرسشنامه در اختیار صاحب‌نظران دانشگاهی و کارشناسان موضوع قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. ضریب آلفای کرونباخ در این تحقیق ۰/۹۶۹ به دست آمد که برای انجام تحقیق، مناسب است. اطلاعات حاصل از تکمیل پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد که بیش از ۸۱ درصد از افراد میان سال بوده و میانگین سنی آنان نیز ۳۳/۵ سال برآورد گردید. ۶۸/۷ درصد از اعضای نمونه را مردان و مابقی را زنان تشکیل داده‌اند، همچنین ۵۸/۵ درصد افراد متأهل و مابقی نیز مجرد بوده‌اند. از لحاظ سطح تحصیلات نیز ۷۴/۵ درصد از افراد دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم، ۲۳/۱ درصد لیسانس و تنها ۲/۵ درصد دارای مدرک فوق لیسانس بوده‌اند. بررسی میزان درآمد افراد نمونه نیز نشان داد که ۹۷/۸ درصد از آنان کمتر از ۱/۵ میلیون تومان درآمد ماهیانه داشته و میانگین درآمد آنان ۶۵۰ هزار تومان بوده است. از لحاظ نوع کسب و کار بیش از نیمی از آنان در حوزه خدمات فعالیت داشته و ۵۶/۹ درصد دوره‌های مهارت‌های کارآفرینی را طی کرده‌اند. (جدول ۱).

جدول ۱: ویژگی‌های فردی پاسخگویان

گروه	فراوانی	درصد	میانگین	نما
سن (سال)	بزرگسال	۹	۲/۵	میان سال
	میان سال	۲۹۸	۸۱/۸	
	جوانان	۵۷	۱۵/۷	
جنسیت	مرد	۲۵۰	۶۸/۷	مرد
	زن	۱۱۴	۳۱/۳	
سطح تحصیلات	دیپلم	۱۷۵	۴۸/۱	دیپلم
	فوق دیپلم	۶۹	۲۶/۴	
	لیسانس	۸۴	۲۳/۱	
	فوق لیسانس	۹	۲/۵	
وضعیت تأهل	متأهل	۲۱۳	۵۸/۵	متأهل
	مجرد	۱۵۱	۴۱/۵	
میزان درآمد ماهانه (تومان)	۵۰۰ هزار تا یک میلیون	۲۸۴	۷۸	۵۰۰ هزار تا یک میلیون
	یک تا ۱/۵ میلیون	۷۲	۱۹/۸	
	بالای ۱/۵ میلیون	۸	۲/۲	
گذارندن دوره‌های مهارت کارآفرینی	بلی	۲۰۷	۵۶/۹	بلی
	خیر	۱۵۷	۴۳/۱	
نوع کسب و کار	صنعتی	۹۸	۲۶/۹	خدماتی
	خدماتی	۱۸۷	۵۱/۴	
	کشاورزی	۱۵	۴/۱	
	سایر	۶۴	۱۷/۶	

نظر به اینکه این تحقیق در جستجوی یافتن تأثیر عواملی چون عامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی، سیاستی و نهادی، جغرافیایی و منطقه‌ای و مدیریتی بر موفقیت کسب و کارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بوده است در ابتدا از آزمون همبستگی و سپس رگرسیون خطی و به شیوه گام‌به‌گام برای آزمون فرضیه‌ها بهره گرفته شده است.

نتایج نشان داد (جدول ۲) که در جامعه آماری مورد مطالعه میان سن مهارت‌آموختگان و موفقیت کسب‌وکارهای آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان در جامعه آماری مورد مطالعه از سن مهارت‌آموختگان تأثیر نمی‌پذیرد. همچنین مشخص گردید که میان سطح تحصیلات مهارت‌آموختگان و موفقیت کسب‌وکارهای ایجاد شده توسط آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد، به این معنی که با افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی مهارت‌آموخته، میزان موفقیت کسب‌وکاری که قرار است از راه مهارت کسب‌شده ایجاد کند افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نشان داد که بین عامل اقتصادی و موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تحت ضریب همبستگی پیرسون و به مقدار $0/184$ و سطح معنی‌داری $0/001$ رابطه معناداری وجود دارد (جدول ۲). از طرفی دیگر این رابطه معنی‌دار بین سایر عوامل مورد بررسی یعنی میان عوامل اجتماعی و فرهنگی (تحت ضریب همبستگی پیرسون و به مقدار $0/197$ و سطح معنی‌داری $0/000$)، آموزشی (تحت ضریب همبستگی پیرسون و به مقدار $0/197$ و سطح معنی‌داری $0/008$)، سیاستی و نهادی (تحت ضریب همبستگی پیرسون و به مقدار $0/161$ و سطح معنی‌داری $0/001$)، جغرافیایی و منطقه‌ای (تحت ضریب همبستگی پیرسون و به مقدار $0/124$ و سطح معنی‌داری $0/018$)، مدیریتی (تحت ضریب همبستگی پیرسون و به مقدار $0/231$ و سطح معنی‌داری $0/000$) و متغیر وابسته موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲: نتایج همبستگی متغیرهای تحقیق بر اساس ضریب همبستگی

متغیر اول	متغیر دوم	نوع ضریب همبستگی	مقدار آزمون همبستگی	سطح معنی داری
سن	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	پیرسون	-۰/۰۲۰	۰/۷۰۸
سطح تحصیلات	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	اسپیرمن	۰/۲۵۴ **	۰/۰۰۸
عامل اقتصادی	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	پیرسون	۰/۱۸۴ **	۰/۰۰۱
عامل اجتماعی و فرهنگی	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	پیرسون	۰/۱۹۷ **	۰/۰۰۰
عامل آموزشی	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	پیرسون	۰/۲۶۵ **	۰/۰۰۰
عامل سیاسی و نهادی	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	پیرسون	۰/۱۶۱ **	۰/۰۰۱
عامل جغرافیایی و منطقه‌ای	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	پیرسون	۰/۱۲۴ *	۰/۰۱۸
عامل مدیریتی	موفقیت کسب و کار مهارت آموختگان	پیرسون	۰/۲۳۱ **	۰/۰۰۰

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ * همبستگی در سطح ۰/۰۵

همچنین در این پژوهش جهت بررسی اینکه آیا بین گروه‌های مختلف (زن و مرد، آموزش دیده و آموزش ندیده، و مجرد و متأهل) از نظر میزان موفقیت کسب و کارها تفاوتی وجود دارد یا خیر از آزمون مقایسه میانگین t استفاده شد.

جدول ۳: مقایسه میانگین وضعیت جنسیت و موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان

متغیر	سطوح تغییر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	.Sig
جنسیت	مرد	۲۵۰	۳/۰۰۱۶	۰/۸۴۶۷	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰
	زن	۱۱۴	۲/۰۸	۱/۱۲۵		
	جمع	۳۶۴				

بر اساس جدول (۳) بین موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان مرد و مهارت آموختگان زن تفاوت معنی داری در سطح یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد، بنابراین مهارت

آموختگان مرد با میانگین $۳/۰۰۱۶$ از لحاظ موفقیت کسب‌وکار در سطح بالاتری نسبت به مهارت آموختگان زن قرار دارند. همچنین مشخص گردید که مهارت آموختگانی که دوره کارآفرینی را طی نموده‌اند با میانگین $۳/۰۶۶۹$ از لحاظ موفقیت کسب‌وکار در سطح بالاتری نسبت به مهارت آموختگانی که این دوره‌ها را طی نموده‌اند، قرار دارند (جدول ۴).

جدول ۴: مقایسه میانگین وضعیت طی کردن دوره کارآفرینی و موفقیت کسب‌وکارهای مهارت آموختگان

متغیر	سطوح تغییر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	Sig.
دوره کارآفرینی	طی نشده	۲۰۷	۲/۹۹۷	۰/۸۸۹	۰/۲۰۶	۰/۰۳۸
	طی شده	۱۵۷	۳/۰۶۶۹	۱/۰۰۸۷		
	جمع	۳۶۴				

بر اساس نتایج مندرج در جدول (۵) نیز مشخص گردید که بین موفقیت کسب‌وکارهای مهارت آموختگان افراد متأهل و مهارت آموختگان مجرد تفاوت معنی‌داری از لحاظ آماری وجود ندارد (جدول ۵).

جدول ۵: مقایسه میانگین وضعیت تأهل و موفقیت کسب‌وکارهای مهارت آموختگان

متغیر	سطوح تغییر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	Sig.
وضعیت تأهل	متأهل	۲۱۳	۲/۹۴۶	۰/۹۸۹	۰/۴۷۳	۰/۰۸۶
	مجرد	۱۵۱	۳/۱۴۱	۰/۸۶۰		
	جمع	۳۶۴				

رگرسیون گام‌به‌گام برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

در این بخش به منظور شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به اعتبار روش‌های رگرسیونی مختلف از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است.

بنابراین متغیرهایی که رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته داشتند وارد رگرسیون شدند. آزمون دوربین واتسون معادل $۱/۹۲۴$ به دست آمد که نشان داد، داده‌های وارد شده در معادله تا حد زیادی دارای استقلال هستند. همچنین با توجه به معنی‌دار شدن آزمون F، می‌توان نتیجه گرفت که حداقل یکی از متغیرهای مستقل واردشده در معادله رگرسیون دارای تأثیر معنادار بر متغیر وابسته بوده‌اند. آزمون

تشخیص عدم هم‌خطی چندگانه با استفاده از آزمون تولرنس انجام شد و عامل تورم واریانس VIF نیز مقادیر VIF را برای متغیرهای مستقل از $1/331$ تا $1/983$ نشان داد که با توجه به کمتر بودن از مقدار عددی سه می‌توان گفت که متغیرهای مستقل هم‌خطی چندگانه ندارند. آزمون تولرنس نیز مقادیر را $0/512$ تا $0/751$ محاسبه نمود که با توجه به این که مقادیر بیش از $0/3$ است نتایج آزمون VIF را تأیید می‌کند.

جدول ۶: خلاصه مدل رگرسیونی

گام	R ضریب همبستگی چندگانه	R Square ضریب تعیین	Adjusted R Square ضریب تعیین تعدیل شده	Durbin Watson
اول	a $0/470$	$0/337$	$0/318$	
دوم	b $0/516$	$0/473$	$0/432$	
سوم	c $0/553$	$0/535$	$0/512$	$1/924$

نتایج تحلیل رگرسیون (جدول ۷) مشخص نمود که از بین متغیرهای مستقل پژوهش که وارد تحلیل گردیده بودند، تأثیر متغیرهای اقتصادی، مدیریتی و آموزشی در سطح یک درصد بر موفقیت مهارت آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای معنی‌دار بوده است.

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون و مقادیر برآورد شده برای متغیرهای تحقیق

VIF	Tolerance	sig	t	ضرایب استاندارد نشده		B	Std E	Beta
				ضرایب استاندارد شده	ضرایب			
		$0/978$	$0/027$			$0/14$	$0/532$	
$1/983$	$0/512$	$0/000$	$4/425$			$0/689$	$0/156$	$0/617$
$1/640$	$0/620$	$0/000$	$4/708$			$0/761$	$0/162$	$0/640$
$1/331$	$0/751$	$0/000$	$3/646$			$0/693$	$0/190$	$0/306$

در گام اول متغیر (عامل اقتصادی) وارد معادله شده است که میزان ضریب تعیین تعدیل شده ($R2Adj$)، $0/318$ به دست آمده است که معنی و مفهوم آن این است که در مرحله اول $31/8$ درصد از کل تغییرات میزان موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وابسته به عامل اقتصادی بوده است. در گام دوم و با وارد شدن دومین متغیر یعنی (عامل مدیریتی)،

1 Multi Collinearity Statistics

2 variance inflation factor

ضریب تعیین تعدیل شده (R2Adj)، به ۰/۴۳۲ افزایش یافته است. به عبارتی دیگر ۴۳/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله دو متغیر وارد شده در مدل (عوامل اقتصادی و مدیریتی) تبیین می‌شود. در گام سوم و با وارد شدن سومین متغیر یعنی (عامل آموزشی)، ضریب تعیین تعدیل شده (R2Adj)، به ۰/۵۱۲ افزایش یافته است. به عبارتی دیگر ۵۱/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله سه متغیر وارد شده در مدل (عوامل اقتصادی، مدیریتی و آموزشی) تبیین می‌شود. یعنی می‌توان گفت که حدوداً ۴۸/۸ درصد از نوسانات تأثیرگذار بر موفقیت کسب و کارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وابسته به عواملی است که در این پژوهش مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. بر این اساس در مجموع سه متغیر در مدل رگرسیون وارد شده‌اند و پس از استاندارد نمودن ضرایب رگرسیون معادله نهایی رگرسیون را می‌توان به شرح زیر نوشت:

$$Y = 0.014 + 0.61 x_1 + 0.64 x_2 + 0.30 x_3$$

که در این معادله:

a: مقدار ثابت یا عرض از مبدأ X1: متغیر عامل اقتصادی X2: متغیر عامل مدیریتی

X3: متغیر عامل آموزشی b: ضریب رگرسیون یا شیب منحنی

بحث و نتیجه‌گیری

نظر به اینکه این تحقیق در جستجوی یافتن رابطه میان عواملی چون عامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی، سیاسی و نهادی، جغرافیایی و منطقه‌ای و مدیریتی بر میزان موفقیت مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این تحقیق بوده است.

نتایج آزمون‌های آماری نشان دهنده این است که با افزایش مؤلفه عامل اقتصادی میزان موفقیت کسب و کارهای مهارت‌آموختگان نیز افزایش خواهد یافت. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات انجام شده توسط آقاپور صباغی و چلداوی (۱۳۹۶) ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۶) و اکبری پور (۱۳۸۸) مطابقت زیادی دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی به شیوه گام‌به‌گام نشان داد که مؤلفه عوامل اقتصادی در مدل رگرسیونی وارد گردیده است. از طرفی دیگر مشخص گردید که با

افزایش مؤلفه عامل فرهنگی و اجتماعی در افراد نمونه آماری، موفقیت کسب و کارهای آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت که این یافته نیز با تحقیقات باباخانی و واحدی (۱۳۹۶) مطابقت دارد.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی به شیوه گام‌به‌گام نشان داد که مؤلفه عامل فرهنگی و اجتماعی در مدل رگرسیونی موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان آموزش فنی و حرفه‌ای وارد نشده است. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات انجام شده توسط رستمی (۱۳۹۲)، اکبری پور (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

از طرفی دیگر می‌توان گفت که با افزایش مؤلفه آموزش در بین افراد نمونه آماری، سطح موفقیت کسب و کار ایجاد شده توسط آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که مؤلفه آموزش بر موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان تأثیرگذار است. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات انجام شده توسط میرمحمدرضایی و قلی پور (۱۳۹۵) و محمدی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت زیادی دارد.

نتایج نشان داد که با بهبود عامل سیاستی و نهادی میزان موفقیت کسب و کارهای افراد نمونه آماری نیز افزایش خواهد یافت. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات انجام شده توسط پژوهش عبداللهی (۱۳۹۵) و جعفری هرندی (۱۳۹۴) مطابقت دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که مؤلفه سیاستی و نهادی در مدل رگرسیونی موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان وارد نمی‌شود.

به‌طورکلی نتایج آزمون‌های آماری روی این فرض نشان دهنده این است که با افزایش مؤلفه عوامل جغرافیایی و منطقه‌ای در جامعه آماری مورد مطالعه، موفقیت کسب و کارهای آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات انجام شده توسط ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که مؤلفه عامل جغرافیایی و منطقه‌ای در موفقیت کسب و کارهای ایجاد شده توسط مهارت آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وارد نشده است.

نتایج نشان دهنده این است که با تقویت مهارت‌های مدیریتی در افراد نمونه آماری، موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان فنی و حرفه‌ای نیز افزایش خواهد یافت. نتایج تحلیل رگرسیونی به شیوه گام‌به‌گام نشان داد که مؤلفه عوامل مدیریتی در مدل رگرسیونی موفقیت کسب و کارهای مهارت آموختگان فنی و حرفه‌ای وارد شده است. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات انجام شده

توسط کمالی سیدبیگلو و تقی‌زاده (۱۳۹۶)، کاشانی و همکاران (۱۳۹۶) و ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد.

پیشنهادها

بدون شک اشتغال یکی از مسائل مهم و مورد بحث سیاست‌گذاران کشورهای مختلف جهان است. در این میان نقش آموزش و بخصوص آموزش‌های غیررسمی و مهارتی در پیشبرد اهداف اشتغال‌زایی بسیار پررنگ و دارای اهمیت است. لذا در راستای ارتقاء هرچه بهتر سطح موفقیت کسب‌وکارهای ایجاد شده توسط مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیشنهادهای زیر مبتنی بر نتایج پژوهش ارائه خواهد شد: با توجه به وجود همبستگی بالا میان مؤلفه‌های مورد بحث، شایسته است که مدیران و سیاست‌گذاران نظام آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای و به‌ویژه مدیران و سیاست‌گذاران آموزش فنی و حرفه‌ای توجه ویژه‌ای به مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی، سیاستی و نهادی، جغرافیایی و منطقه‌ای و فردی داشته باشند. لذا در راستای افزایش موفقیت کسب‌وکارها پیشنهادهای زیر مبتنی بر فرضیه‌های تحقیق ارائه می‌گردد:

نتایج تحقیق نشان از وجود همبستگی بالای عامل مالی و اقتصادی نظیر سرمایه کافی (ثابت و در گردش)، تسهیلات دریافتی و... با موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارد. در این راستا پیشنهاد می‌گردد که مهارت‌آموختگان فنی و حرفه‌ای که قصد ایجاد کسب‌وکار جدید در حوزه مهارت فراگرفته را دارند در ایجاد کسب‌وکار خود مسائل مالی نظیر سرمایه ثابت، سرمایه در گردش، نرخ بازگشت سرمایه، میزان و نوع تسهیلات دریافتی، انواع پوشش‌های بیمه‌ای و... را در نظر گیرند تا در پیشبرد برنامه‌های خود موفق گردند. همچنین پیشنهاد می‌گردد که تسهیلات بیشتر و با نرخ بهره پایین‌تر برای افرادی که متقاضی ایجاد کسب‌وکار با مدرک فنی و حرفه‌ای هستند در نظر گرفته شود و بانک‌ها و دستگاه‌های عامل ضمن نظارت دقیق بر مصرف تسهیلات زمینه‌های تعامل بیشتر را فراهم آورند.

همچنین مشخص گردید که میان عامل آموزشی و موفقیت کسب‌وکارهای مهارت‌آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای همبستگی وجود دارد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که اولاً مهارت‌آموختگان و متقاضیان ایجاد کسب‌وکارهای جدید آموزش‌های قبلی اعم از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و

آموزش‌های مدیریتی نظیر آموزش‌های بازاریابی را کسب نموده، قبل و حین کسب‌وکار از خدمات مراکز مشاوره‌ای مرتبط با فعالیت خود بهره‌گیرند و از آموزش‌های مرتبط با کارآفرینی بهره‌گیرند. به مسئولین مرتبط با امر و بخصوص سیاست‌گذاران نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز پیشنهاد می‌گردد، تلاش خود را جهت شناسایی نیازهای آموزشی هر منطقه بکار گرفته تا آموزش‌های به‌روز و مطابق با نیازهای منطقه‌ای ارائه نمایند، همچنین پیشنهاد می‌گردد که واحدهایی جهت ارائه مشاوره‌های تخصصی به کسب‌وکارها و ارائه آموزش‌های به‌روز در زمینه مدیریت کسب‌وکار در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای جهت ارائه خدمات مشاوره‌ای به متقاضیان ایجاد گردد.

از طرفی دیگر نتایج تحقیق نشان داد که عامل مدیریتی نیز با موفقیت کسب‌وکارهای ایجاد شده توسط مهارت آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای همبستگی دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد که متقاضیان و مهارت آموختگان نظام آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که قصد ایجاد یک کسب‌وکار را برای خود دارند؛ تلاش نمایند که با کسب و بهره‌گیری از مهارت‌های مدیریتی نظیر برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری صحیح، ساماندهی امور و... زمینه لازم جهت پیشرفت کسب‌وکارهای خود را ایجاد نمایند

منابع

- افروزمش، ا. شمسانی، ح، ر (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت آموختگان. مهارت‌آموزی. دوره ۳، شماره ۹، ص ۵۵-۶۶
- اکبری پور، ص (۱۳۸۸). بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایجاد اشتغال، فصلنامه کار و جامعه، شماره ۱۱۱، ص ۵۷-۶۲.
- آقاپور صباغی، م. چلداوی، ل (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت بنگاه‌های زودبازده بخش کشاورزی شهرستان دشت آزادگان. اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۲۳، شماره ۹۲، ص ۱۱۴-۹۳.
- باباخانی، ا. و واحدی، م. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در میزان موفقیت تعاونی‌های شیلات استان ایلام. فصلنامه تعاون و کشاورزی (تعاون): تابستان ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۲۲، ص ۵۳-۷۹.
- جعفری هرندی، ر (۱۳۹۴). بررسی میزان کارایی بیرونی دانشگاه فنی و حرفه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ (مورد پژوهش: آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای استان یزد). مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، دوره ۵، شماره ۹، ص ۱۹۸-۱۷۳.
- جلیلیان، س. مهرعلیزاده، ی. مرعشی، س م (۱۳۹۶). بررسی میزان انطباق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان خرمشهر. فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۸، شماره ۲۹، ص ۱۳۱-۱۵۰.
- رستمی، م. مرادزادی، ه. واحدی، مرجان (۱۳۹۲). واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های زودبازده بخش کشاورزی شهرستان ایوان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

- سیلانه، آ. کرمی، م (۱۳۹۳). مهارت‌آموزی ضرورت آموزش فنی و حرفه‌ای در محیط‌های یادگیری کل‌نگر. فصلنامه مهارت‌آموزی. دوره ۳، شماره ۹، ص ۹۳-۱۰۸.
- عبداللهی، ح (۱۳۹۵). ارزیابی سازوکارهای تجربه‌شده برقراری ارتباط بین آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و بازار کار در ایران. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، ص ۱۶۷-۱۵۲.
- غفاری، ح. رازی، ا.ع. (۱۳۹۶). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل راهبردی مؤثر در موفقیت بنگاه‌های کوچک و زودبازده شهر صنعتی کاوه با رویکرد کارت امتیازی متوازن از دیدگاه مدیران. فصلنامه رشد فن‌آوری، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ص ۶۳-۶۹.
- صدری، ع. زاهدی، ا. رحمانی، ن. (۱۳۹۶). رشد کمی دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای کشور و تقاضای نیروی انسانی ماهر به‌منظور بازرگاری در برنامه درسی. فن‌آوری آموزش، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۹۷-۸۷.
- کاشانی، ت. رسولی، م. سلیمان پور، م. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در استان تهران. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۷، ص ۶۴-۵۳.
- کمالی سیدبیگللو، م. ت. تقی‌زاده، ر. (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای فازی مطالعه موردی: بنگاه‌های مستقر در نواحی و شهرک‌های صنعتی شهرستان ارومیه. مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۱، ص ۳۱۸-۲۹۱.
- محمدی، م. مرزوقی، ر. ا. سلیمی، ق. منصور، س. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش ترکیبی بر موفقیت و رضایت فراگیران نظام آموزش فنی و حرفه‌ای. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره ۹، شماره ۱، ص ۱۰۸-۹۱.
- ملاشاهی، غ. ظریفیان، ش. و پیش‌بهار، ا. (۱۳۹۶). تعیین میزان موفقیت بنگاه‌های اقتصادی زودبازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل. اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۲۳، شماره ۹۱، ص ۷۳-۴۹.
- میرمحمدرضایی، س. ز. قلی‌پور، م. (۱۳۹۵). سنجش روحیه کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن در بین جوانان مهارت‌آموخته دوره کارآفرینی در مقایسه با کارآموزان آموزش ندیده اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای زنجان. فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۱۸۶-۱۵۷.
- Mehrali Zadeh, Y; khoda Panah, M; & Marashi, S.M. (2012). Instrument of development skills of Khuzestan province in during of the Fifth Economic, Social and Cultural of Islamic Republic plan of Iran .
- Momeni Mahmoeei, H., Karami, M., Mashhadi, A. (2012). Evaluation effectiveness of employment skills training required for labor market in undergraduate curricula of accounting, civil engineering and food industries majors. Research in curriculum planning Quarterly. Khorasgan Azad University. Iran. Esfahan. 9(7).
- Moutlagh, M & Saberi, M. (2010). Investigate the relationship between technical and professional training and job placement effectiveness of male students in the Arak city. Journal of Social Sciences, 4.
- UK Commission for Employment and Skills. (2014). The Labour Market Story: An Overview. U.K.
- Yadollahi, J., Aghajani, H. & Aghajani, A. (2012). Internal factors affecting the performance of SMEs and provide an effective model. Journal of Management. 6(14).12-28